



A Morphological Study of the Eskandarnāmeḥ as a Literary Genre (Based on Nezāmi's Eskandarnāmeḥ and Its Imitations)

Abbas Vaezzadeh 

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Birjand University:
Vaezzadeh_abbas@birjand.ac.ir

Received: 2026/3/18 Revised: 2026/5/15 Accepted: 2026/5/28 Published: 2026/6/10

Citation: Vaezzadeh, Abbas. (2026). "A Morphological Study of the Eskandarnāmeḥ as a Literary Genre (Based on Nezāmi's Eskandarnāmeḥ and Its Imitations)" *Epic Knowledge and Wisdom*. 2 (1). 93-104.
<https://www.doi.org/10.22067/jmels.2026.99785.1066>

Abstract

Eskandarnāmeḥs are prose and verse works in Persian literature that recount the story of Alexander of Macedon (356–323 BCE), also known as Alexander/Eskandar Dhū al-Qarnayn. The first independent verse Eskandarnāmeḥ was composed by Nezāmi Ganjavi (1141–1209 CE) in two parts titled Sharafnāmeḥ and Eqbāl-nāmeḥ. Following him, numerous poets composed Eskandarnāmeḥs in imitation of Nezāmi's work. The existence of multiple poems bearing the title "Eskandarnāmeḥ" or similar names, according to the definition of literary genre as "a group of texts bounded by structural, thematic, and/or functional criteria," indicates the presence of a distinct genre in Persian literature known as the Eskandarnāmeḥ. Based on this definition, an examination of these works can reveal their shared structure, constituting the structural framework of the Eskandarnāmeḥ genre. This article aims to identify the structure of verse Eskandarnāmeḥs based on Nezāmi's Eskandarnāmeḥ and three of its imitations: Amir Khosrow's Āyeneh-ye Eskandari, Jāmi's Kheradnāmeḥ-ye Eskandari, and Abdi Beg Navidi's Āyin-e Eskandari. Since Eskandarnāmeḥs are considered narrative literary works, this study employs Propp's morphological method, one of the most effective approaches for identifying the structure of narrative literary genres. Through a morphological analysis of the four verse Eskandarnāmeḥs, we conclude that the Eskandarnāmeḥ, as a subgenre of the "heroic epic" (manzumeh-ye pahlavāni), is structurally a narrative comprising ten functions (the hero's emergence, the helper's action, the acquisition of power, the hero's departure and return, the villain's emergence and destruction, the adventure, and the hero's fate) and three character types (the hero, the helper, and the villain).

Keywords: Eskandarnāmeḥ, heroic epic, Nezāmi Ganjavi, morphology, Propp, literary genre.



 نشریه علمی پژوهشی دسترس آزاد	دانش و خرد حماسی https://jmels.um.ac.ir	 مقاله پژوهشی
--	--	---

ریخت‌شناسی نوع ادبی اسکندرنامه (بر اساس اسکندرنامه نظامی و نظیره‌های آن)

عباس واعظزاده 

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند: Vaezzadeh_abbas@birjand.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۲۷	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۲/۲۵	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۳/۷	تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۳/۲۰
استاد: واعظزاده، عباس. (۱۴۰۵). «ریخت‌شناسی نوع ادبی اسکندرنامه (بر اساس اسکندرنامه نظامی و نظیره‌های آن)». دانش و خرد حماسی. ۲ (۱). https://www.doi.org/10.22067/jmels.2026.99785.1066 ۹۳-۱۰۴			

چکیده

اسکندرنامه‌ها آثاری منثور و منظوم در ادب فارسی هستند که به شرح داستان اسکندر مقدونی (۳۵۶-۳۲۳ ق.م.) یا اسکندر ذوالقرنین می‌پردازند. اولین اسکندرنامه منظوم مستقل را نظامی گنجوی (۵۳۰-۶۱۴ ه.ق.) در دو بخش با عنوان شرفنامه و اقبالنامه سرود و پس از او، شاعران متعددی اسکندرنامه‌هایی به تقلید از اسکندرنامه نظامی سرودند. وجود منظومه‌های متعدد با نام «اسکندرنامه» یا اسامی مشابه، طبق تعریف نوع ادبی که عبارت است از «دسته‌ای از متون که به وسیله معیارهای ساختاری، محتوایی و/یا کارکردی محدود می‌شوند» حاکی از وجود نوعی در ادبیات فارسی با عنوان «اسکندرنامه» است. بنا بر این تعریف، با بررسی این اسکندرنامه‌ها می‌توان به ساختار مشترک آن‌ها که ساختار نوع ادبی اسکندرنامه است، دست یافت. هدف این مقاله شناسایی ساختار اسکندرنامه‌های منظوم بر اساس اسکندرنامه نظامی و سه نظیره آن؛ یعنی آیین اسکندری امیر خسرو، خردنامه اسکندری جامی و آیین اسکندری عبدی بیگ نویدی است. از آنجا که اسکندرنامه‌ها از آثار ادبی روایی محسوب می‌شوند، در این مقاله از روش ریخت‌شناسی پراپ که یکی از روش‌های کارا در شناسایی ساختار انواع ادبی روایی است استفاده می‌کنیم. طبق بررسی ریخت‌شناسانه چهار اسکندرنامه منظوم به این نتیجه رسیدیم که اسکندرنامه به مثابه یکی از زیرگونه‌های «منظومه پهلوانی» از لحاظ ساختاری، روایتی است دارای ده خویشتکاری (ظهور قهرمان، اقدام یاریگر، قدرت‌یابی، عزیمت و بازگشت قهرمان، ظهور و نابودی شریر، ماجراجویی و سرانجام قهرمان) و سه شخصیت (قهرمان، یاریگر و شریر).
کلیدواژه‌ها: اسکندرنامه، منظومه پهلوانی، نظامی گنجوی، ریخت‌شناسی، پراپ، نوع ادبی.

۱. مقدمه

اسکندرنامه‌ها آثاری منظوم یا منشور در ادب فارسی هستند که به شرح داستان اسکندر مقدونی^(۱) (۳۲۳-۳۵۶ ق.م.) یا اسکندر ذوالقرنین می‌پردازند. نخستین کسی که کتابی در شرح لشکرکشی‌های اسکندر نوشت، کالیستنس (۳۶۰-۳۲۷ ق.م.)، مورخ و فیلسوف یونانی و خواهرزاده ارسطو بود که اسکندر را در لشکرکشی‌های او به عنوان مورخ همراهی می‌کرد. کالیستنس به خاطر انتقاداتش از اسکندر، که دعوی خدایی می‌کرد، کشته شد و از کتاب او چیزی بر جای نماند، اما حدوداً چهار قرن بعد، یکی از یونانیان مقیم مصر، اخبار و افسانه‌هایی را که درباره اسکندر بر سر زبان‌ها بود، گردآوری کرد و آن را به کالیستنس منسوب کرد. این کتاب از این نویسنده ناشناس که در نزد مورخان به «کالیستنس دروغین» مشهور شده است، قرن‌ها سرچشمه داستان‌هایی درباره اسکندر در میان ملل مختلف شد. کتاب کالیستنس دروغین در حدود قرن چهارم میلادی از یونانی به لاتینی و در قرن پنجم به ارمنی ترجمه شد. ترجمه پهلوی آن که امروزه در دست نیست در اوایل قرن هفتم میلادی (اواخر دوره ساسانی) تهیه شد و ترجمه سریانی که موجود است از روی ترجمه پهلوی صورت گرفت و از آن طریق به زبان عربی راه یافت. ترجمه عربی نیز در اواخر قرن چهارم هجری به فارسی برگردانده شد و این ترجمه، که از آن نیز اثری بر جای نمانده، تقریباً خمیرمایه تمام اسکندرنامه‌های منشور و منظوم بعدی است (کیوانی، ۱۳۸۴: اسکندرنامه‌ها).

فردوسی اولین شاعری است که داستان اسکندر را در شاهنامه به نظم درآورد. منبع فردوسی در نظم داستان اسکندر نه شاهنامه ابومنصوری، که همان ترجمه اسکندرنامه عربی است که پیشتر ذکر آن رفت. دومین شاعری که داستان اسکندر را در منظومه‌ای مستقل به نام اسکندرنامه به نظم درآورد، نظامی گنجوی است. نظامی داستان اسکندر مقدونی و ذوالقرنین را در دو بخش به نام‌های شرف‌نامه (۶۸۰ بیت) و اقبال‌نامه (۳۷۸۰ بیت) سرود. اسکندرنامه نظامی چنان محبوبیتی یافت که پس از او تا قرن‌ها مورد استقبال شاعران قرار گرفت (همان). ذبیح‌الله صفا از سه اسکندرنامه که به تقلید از نظامی سروده شده (آینه اسکندری امیرخسرو، خردنامه اسکندری جامی و قصه ذوالقرنین بدری کشمیری) نام می‌برد (صفا، ۱۳۳۳: ۳۵۲-۳۵۳) و مجدالدین کیوانی، علاوه بر این سه منظومه، دو اسکندرنامه دیگر (سد اسکندری امیرعلیشیر نوایی به زبان ترکی و اسکندرنامه یا ظفرنامه درویش اشرف مراغی) را نیز نام می‌برد و اظهار می‌دارد که در بعضی کتاب‌شناسی‌ها و تذکره‌ها از اسکندرنامه‌های دیگری نیز یاد شده است: اسکندرنامه ضمیری اصفهانی، اسکندرنامه خاکی بلخی، اسکندرنامه جبلّی، اسکندرنامه عتابی تکلّو، اسکندرنامه عالم لکهنوی، اسکندرنامه مشرف اصفهانی، اسکندرنامه ناصری کرمانی و اسکندرنامه فضل‌الله استرآبادی (همان).

وجود منظومه‌های متعدد با نام «اسکندرنامه» یا اسامی مشابه، طبق یکی از تعاریف نوع ادبی که

عبارت است از «دسته‌ای از متون که به وسیله معیارهای ساختاری، محتوایی و/ یا کارکردی محدود می‌شوند» (Todorov, 2000: 197; Duff, 2000: xiii) حاکی از وجود نوعی در ادبیات فارسی با عنوان «اسکندرنامه» است. بنا بر این تعریف از نوع ادبی، با بررسی این اسکندرنامه‌ها می‌توان به ساختار مشترک آن‌ها که ساختار نوع ادبی اسکندرنامه است، دست یافت. هدف این مقاله شناسایی ساختار اسکندرنامه‌های منظوم بر اساس اسکندرنامه نظامی (سروده ۵۹۹ ه.ق.) و سه نظیره آن؛ یعنی آینه اسکندری امیر خسرو (سروده ۶۹۹ ه.ق.)، خردنامه اسکندری جامی (سروده ۸۹۰ ه.ق.) و آیین اسکندری عبدی بیگ نویدی (سروده ۹۵۰ ه.ق.) است.^(۲) از آنجا که اسکندرنامه‌ها از آثار ادبی روایی محسوب می‌شوند، در این مقاله از روش ریخت‌شناسی پراپ که یکی از روش‌های کارا در شناسایی ساختار انواع ادبی روایی است، استفاده می‌کنیم.

۱-۱. روش‌شناسی

ریخت‌شناسی^۱ در اصل، اصطلاحی مربوط به دانش گیاه‌شناسی و به معنای «بررسی و شناخت اجزاء تشکیل‌دهنده گیاه و ارتباط آن‌ها با یکدیگر و کل گیاه» است (پراپ، ۱۳۶۸: ۱۷). ولادیمیر پراپ^۲ برای اولین بار این اصطلاح را وارد حوزه نظریه و نقد ادبی کرد. وی با انتشار کتاب ریخت‌شناسی قصه‌های پریان^۳ (۱۹۲۸ م.)، این اصطلاح را برای بررسی ساختار یکی از انواع قصه‌های عامیانه^۴ (قصه‌های پریان^۵) به کار برد. پراپ با اشاره به رده‌بندی هفت‌گانه وونت^۶ برای قصه (قصه‌ها و حکایات اساطیری، قصه‌های خالص پریان، قصه‌ها و حکایات زیستی، حکایات خالص جانوران، قصه‌های مربوط به پیدایش و آفرینش چیزها، قصه‌ها و حکایات مطابیت آمیز و حکایات اخلاقی)، آن را یک رده‌بندی مبهم می‌داند که در آن مرز مشخصی میان این انواع هفت‌گانه وجود ندارد (همان: ۲۷-۲۸). او به طور کلی، رده‌بندی‌های صوری و مضمونی قصه را رده‌بندی‌هایی نارسا می‌داند و می‌خواهد انواع قصه را بر اساس ویژگی‌های خاص آن‌ها، یعنی «اجزای سازا/سازه‌های» آن‌ها، که «خویشکاری»^۷ می‌نامد رده‌بندی کند (همان: ۲۸-۲۹). پراپ برای این کار، ابتدا یکی از انواع قصه را که در رده‌بندی‌های قبلی با عنوان «قصه‌های پریان» مشخص شده، مفروض می‌گیرد و

-
1. morphology
 2. Vladimir Propp
 3. Morphology of the Folktale
 4. folk tales
 5. fairy/ wonder tales
 6. Wundt
 7. function

به بررسی صد قصهٔ پریان روسی می‌پردازد تا از طریق مقایسهٔ این قصه‌ها به ساختار مشترک آن‌ها دست یابد (همان: ۴۹). وی نهایتاً بر اساس این روش، تعریفی ساختاری از قصهٔ پریان ارائه می‌کند و آن را قصه‌ای می‌داند که دارای یک صحنهٔ آغازین و سی و یک خویشکاری (غیبت، نهی، نقض نهی، خبرگیری شریر، خبردهی، فریبکاری، همدستی، شرارت، میانجی‌گری، مقابلهٔ آغازین، عزیمت، نخستین خویشکاری بخشنده، واکنش قهرمان، دریافت شیء جادو، انتقال مکانی میان دو سرزمین، کشمکش، نشان گذاشتن، پیروزی، رفع مشکل، بازگشت، پیگیری و تعقیب، رهایی، رسیدن به ناشناختگی، ادعاهای بی‌پایه، کار دشوار، حل مسئله، شناختن، رسوایی، تغییر شکل، مجازات و عروسی) است که هفت شخصیت (شریر، بخشنده، یاریگر، شاهزاده خانم، گسیل‌دارنده، قهرمان و قهرمان دروغین) آن‌ها را انجام می‌دهند و توالی و الگوی روایی خاصی بر آن حکم فرماست.

به عقیدهٔ داف، پراپ خودش به دنبال گسترش روش خود برای بررسی قصه‌های عامیانه (قصه‌های پریان) به سایر انواع نبود، اما دیگران روش او را برای بررسی انواع دیگر ادبیات به کار بردند (Duff, 2000: 13). آلن داندس^۱ در دیباچه‌ای که بر ویرایش دوم ترجمهٔ انگلیسی ریخت‌شناسی قصه‌های پریان نوشته است، این سؤالات را مطرح می‌کند: تا چه حد می‌توان روش پراپ را در مورد انواع دیگر قصه‌های عامیانه، غیر از قصه‌های پریان به کار برد؟ این روش تا چه اندازه در مورد انواع دیگر نقل‌های عامیانه^۲، نظیر حماسه و اقسام دیگر فولکلور، نظیر رقص‌ها و بازی‌های عامیانه قابل اعمال است؟ سپس دامنهٔ کارایی روش پراپ را از فرهنگ عامه به حوزه‌های دیگر تسری داده، اظهار می‌دارد: «تجزیه و تحلیل پراپ در تحلیل ساختار صورت‌های ادبی (مانند نوول و نمایشنامه‌ها)، فیلم استریپ‌های خنده‌دار، فیلم سینمایی و داستان‌های تلویزیونی و امثال آن نیز سودمند تواند بود» (پراپ، ۱۳۶۸: ۱۰-۱۱). بنابراین، ریخت‌شناسی، در حقیقت، نوعی گونه‌شناسی است که علی‌رغم انتقاداتی که به آن شده (نک: خدیش، ۱۳۹۱: ۵۷-۷۰) و اظهار نظر برخی محققان مبنی بر کارایی کمتر این روش برای بررسی انواع پیچیده‌تر ادبیات (Duff, 2000: 13)، در بررسی انواع ادبی روایی، به‌ویژه انواع روایی کلاسیک و عامیانه، کارایی لازم را دارد. هرچند باید این نکته را مد نظر داشت که بهره‌گیری از «روش» پراپ برای بررسی سایر انواع ادبی روایی، الزاماً به معنای اعمال/انطباق «الگوی ساختاری» مورد نظر او برای قصه‌های پریان (یک صحنهٔ آغازین، سی و یک خویشکاری و هفت شخصیت در قالب چند الگوی روایی خاص) بر سایر انواع نیست. باید توجه داشت که ریخت‌شناسی، همچون دیگر روش‌های گونه‌شناسی، یک روش استقرایی است که با بررسی نمونه‌های متعدد یک نوع ادبی

1. Alan Dundes
2. folk narratives

می‌توان به الگوی ساختاری خاص آن نوع ادبی دست یافت. به عبارت دیگر، در بررسی ریخت‌شناختی دیگر انواع روایی، ما نباید به دنبال یافتن «سی و یک» خویشکاری، «هفت» شخصیت و «الگوهای روایی قصه-های پریان» باشیم، بلکه باید خویشکاری‌ها، شخصیت‌ها و الگوهای روایی نوع مورد نظرمان را به مقتضای همان نوع ادبی شناسایی کنیم.

۱-۲. پیشینه پژوهش

تا کنون تحقیقاتی در زمینه‌ی ریخت‌شناسی بعضی از انواع ادبی روایی فارسی صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی (تقوی، ۱۳۷۶)، ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی (خدیش، ۱۳۸۷) و «رده‌بندی داستان‌های عاشقانه‌ی فارسی» (واعظزاده، ۱۳۹۵) اشاره کرد؛ اما تاکنون پژوهشی که به بررسی ساختار نوع ادبی «اسکندرنامه» پرداخته باشد، انجام نشده است. تنها پژوهشی که موضوع آن نزدیک به پژوهش حاضر است، مقاله‌ای است با عنوان «تحلیل ریخت‌شناسانه داستان اسکندر و دارا در شرفنامه بر اساس نظریه ریخت‌شناسی ولادیمیر پراپ» (عزتی و دیگران، ۱۴۰۲) که همچون بسیاری از پژوهش‌های ریخت‌شناسانه به اشتباه، درصدد انطباق ساختار قصه‌های پریان بر این داستان است.

۲. بحث و بررسی

۱-۲. خویشکاری‌ها

طبق بررسی انجام‌شده، اسکندرنامه‌ها دارای ده خویشکاری‌اند. بعضی از این خویشکاری‌های ممکن است در بعضی منظومه‌ها نیابند و بعضی دیگر چندین بار در یک منظومه تکرار شوند. خویشکاری‌های اسکندرنامه از این قرارند:

ردیف	خویشکاری‌های اسکندرنامه‌ها
الف	ظهور قهرمان (T)
ب	اقدام یاریگر (Y)
پ	قدرت‌یابی (G)
ت-ث	عزیمت قهرمان (♠) - بازگشت قهرمان (♠)
ج-چ-ح	ظهور شریر (S) - نبرد (B) - نابودی شریر (N)
خ	ماجرایابی (j)
د	سرانجام قهرمان (M)

- الف. ظهور قهرمان (نشانه: T): قهرمان متولد می‌شود: ان، آع.
- ب. اقدام یاریگر (نشانه: Y): یاریگر قهرمان را برای رسیدن به اهدافش - چه مادی و چه معنوی - کمک (مادی / معنوی) می‌کند.
- Y¹ یاریگر قهرمان را تعلیم و تربیت می‌دهد: ان، خج، آع.
- Y² یاریگر قهرمان را در نابودی شریر کمک می‌کند: ان، آم.
- Y³ یاریگر قهرمان را در نابودی شریر کمک معنوی (دعا) می‌کند: ان.
- Y⁴ یاریگر قهرمان را برای رسیدن به هدفش کمک می‌کند: ان (۲)، آم (۳)، خج، آع (۴).
- Y⁵ یاریگر قهرمان را برای رسیدن به هدفش کمک فکری (مشورت و نصیحت) می‌کند: ان (۱۱)، آم، خج (۱۱)، آع.
- Y⁶ یاریگر در غیاب قهرمان امور کشور را اداره می‌کند: ان (۲).
- پ. قدرت‌یابی (نشانه: G): قهرمان به قدرت مادی / معنوی می‌رسد.
- G¹ قهرمان به قدرت مادی (پادشاهی) می‌رسد: ان، آم، خج، آع.
- G² قهرمان به قدرت معنوی (پیامبری) می‌رسد: ان.
- ج. ظهور شریر (نشانه: S): شریر به مردم آزار می‌رساند یا قصد شکست و نابودی قهرمان را دارد.
- S¹ شریر به مردم آزار می‌رساند و مردم از او به قهرمان شکایت می‌کنند: ان (۵)، آم (۳)، خج (۳)، آع (۲).
- S² شریر به قهرمان حمله می‌کند / علیه او قیام می‌کند: ان (۲)، آم، خج، آع.
- S³ قهرمان برای مطیع کردن شریر به سرزمین او لشکرکشی می‌کند: ان (۷)، آم (۷)، خج (۲)، آع (۸).
- چ. نبرد (نشانه: B): قهرمان با شریر می‌جنگد: ان (۱۳)، آم (۶)، خج (۵)، آع (۷).
- ح. نابودی شریر (نشانه: N): قهرمان شریر را شکست می‌دهد و او را می‌کشد یا مطیع خود می‌کند.
- N¹ قهرمان شریر را می‌کشد: ان (۷)، آم (۴)، خج (۲)، آع (۴).
- N² قهرمان شریر را مطیع خود می‌کند: ان (۶)، آم (۶)، خج (۳)، آع (۶).
- N³ قهرمان شریر را محبوس می‌کند: ان، آم، خج، آع.
- خ. ماجراجویی (نشانه: J): قهرمان برای قدرت‌نمایی و دیدن عجایب به جاهای صعب‌العبور، دشوار و خطرناک می‌رود: ان (۶)، آم (۳)، خج (۲)، آع (۳).
- د. سرانجام قهرمان (نشانه: M): قهرمان در جریان جهانگیری / جهانگردی و ماجراجویی هایش می‌میرد: ان، آم، خج، آع.

۲-۲. شخصیت‌ها

اسکندرنامه‌ها دارای سه شخصیت اصلی هستند که در پیشبرد داستان نقش اساسی دارند:

- ۱- قهرمان: قهرمان شخصیت اصلی داستان است که تمام اتفاقات داستان حول او شکل می‌گیرد و اوست که داستان را به پیش می‌برد.
- ۲- یاریگر: شخصی/ اشخاصی در داستان است که برای رسیدن قهرمان به اهداف مادی و معنوی اش (تحصیل علم و معرفت، ماجراجویی و نابودی شریر) به او را کمک می‌کند.
- ۳- شریر: شخصی/ اشخاصی در داستان است که مردم از دست او در آزار و اذیت‌اند؛ با قهرمان می‌جنگند و قصد نابودی او را دارند.

شخصیت‌های اسکندرنامه‌ها			نام منظومه
شیر	یاریگر	قهرمان	
زنگیان، دارا، دوسرهنگ دارا، زرتشتیان، نوشابه، اعراب، راهزنان دژ دربند، مدعی پادشاهی خراسانی، کید هندو، فور هند، خاقان چین، قنطال روس، اهریمن، قوم یاجوج و ماجوج	نقوماجس، دوسرهنگ دارا، ارسطو، بلیناس، زاهد کوه البرز، خضر، الیاس، سقراط، افلاطون، والیس، فروریوس، هرمس، اسکندروس	اسکندر	۱. اسکندرنامه نظامی
زنگیان، دارا، زرتشتیان، نوشابه، اعراب، کید هندو، فور هند، خاقان چین، روس‌ها، قوم یاجوج و ماجوج، یونانیان	ارسطو، بلیناس، خضر، الیاس، سروش موکل دریا	اسکندر	۲. آئینه اسکندری امیر خسرو
زنگیان، دارا، کید هندو، فور هند، خاقان چین، روس‌ها، قوم یاجوج و ماجوج	ارسطو، افلاطون، سقراط، بقراط، فیثاغورس، اسکلیپوس، هرمس، بلیناس، خضر، الیاس، مادر اسکندر، فرشته کوه قاف	اسکندر	۳. خردنامه اسکندری جامی
زنگیان، دارا، زرتشتیان، نوشابه، اعراب، کید هندو، فور هند، خاقان چین، روس‌ها، قوم یاجوج و ماجوج، یونانیان	نیوماجس، ارسطو، بلیناس، افلاطون، غرقیل، بقراط، خضر، الیاس	اسکندر	۴. آیین اسکندری عبدی بیک

۲-۳. توزیع خویشکاری‌ها میان شخصیت‌ها

از میان خویشکاری‌های ده‌گانه اسکندرنامه‌ها، هشت خویشکاری در حوزه عمل قهرمان، یک خویشکاری در حوزه عمل یاریگر و یک خویشکاری در حوزه عمل شریر است.

شخصیت	خویشکاری
۱. قهرمان	T. G. $\uparrow \downarrow$ B. N. J. M.
۲. یاریگر	Y
۳. شریر	S

۴-۲. الگوی روایی

برای اسکندرنامه‌ها نمی‌توان الگوی روایی ثابتی در نظر گرفت، اما با توجه به الگوی روایی منظومه‌های مورد بررسی می‌توان الگوی روایی نسبی‌ای، با فرض کوچکترین شکل روایی، برای آن‌ها ترسیم کرد؛ الگویی دربردارنده یک قدرت‌یابی (G)، دو یاریگر (Y)، یک ظهور شریر، نبرد و نابودی شریر (S-B-N) و یک ماجراجویی (J). در این صورت، الگوی روایی اسکندرنامه از این قرار است:

$$TGS \uparrow YB-N \downarrow \uparrow YJM.$$

الگوی روایی اسکندرنامه‌ها حتماً با ظهور قهرمان (T) / قدرت‌یابی قهرمان (G) آغاز و با سرانجام قهرمان (M) خاتمه می‌یابد و در بین این خویشکاری‌های آغازی و پایانی، خویشکاری‌های میانی عزیمت و برگشت قهرمان ($\uparrow \downarrow$)، ظهور شریر، نبرد و نابودی شریر (S-B-N)، اقدام یاریگر (Y) و ماجراجویی (J) چندین بار تکرار می‌شوند. یاریگر حداقل یک بار برای نابودی شریر و یک بار برای ماجراجویی قهرمان را کمک می‌کند. خویشکاری قدرت‌یابی نیز می‌تواند دو بار در طول داستان تکرار شود.

الگوهای روایی اسکندرنامه‌های مورد بررسی از این قرارند:

نام منظومه	الگوی روایی داستان
اسکندرنامه نظامی	$T Y^1 G^1 S^1 \uparrow B-N^1 \downarrow S^2 \uparrow Y^2-N^1 S^1-N^1 S^3-N^1 Y^6 <S^3-N^2> 2 J-Y^4 S^3-Y^3-B-N^1 S^3-N^2 S^3-B-N^1 S^3-N^2 S^1-B^7-N^2 J-Y^4 \downarrow Y^{57} G^2 Y^{53} Y^6 \uparrow S^1-N^1 J^4 S^1-N^3 J \downarrow M.$
آیینة اسکندری امیر خسرو	$G^1 S^1 \uparrow B-N^1 \downarrow S^2 \uparrow B-N^1 S^3-B-N^1 <S^3-N^2> 3 S^3-B-N^1 S^3-N^2 S^3-B-N^2 J S^1-N^3 S_9 N_9 J_1 Y^4 \downarrow S^3 \uparrow B-Y^2-N^1 Y^4 Y^5 \downarrow \uparrow J Y^4 J Y^4 M \downarrow.$
خردنامه اسکندری جامی	$T Y^1 G^1 Y^{57} \uparrow Y^4 S^1-B-N^1 \downarrow \uparrow S^2-B-N^1 Y^5 S^3-B-N^2 Y^5 S^1-N^3 <S^3-N^2> 2 Y^{52} \downarrow \uparrow J Y^5 \downarrow M.$
آئین اسکندری عبدی‌بیک	$T Y^1 G^1 S^1 \uparrow B-N^1 \downarrow S^2-B-N^1 S^3-B-N^1 S^3-N^2 S^3-N^2 S^3-B-N^1 <S^3-B-N^2> 2 S^1-N^3 S^3-N^2 \downarrow Y^2 S^3 \uparrow B-N^2 Y^4 \downarrow Y^5 \uparrow J \downarrow M.$

۳. نتیجه‌گیری

طبق بررسی ریخت‌شناسانه چهار اسکندرنامه منظوم به این نتیجه رسیدیم که اسکندرنامه به مثابه یکی از زیرگونه‌های «منظومه پهلوانی» از لحاظ ساختاری، روایتی است دارای ده خویشکاری (ظهور قهرمان، اقدام یاریگر، قدرت‌یابی، عزیمت و بازگشت قهرمان، ظهور و نابودی شریر، ماجراجویی و سرانجام قهرمان) و سه شخصیت (قهرمان، یاریگر و شریر) که بیشترین خویشکاری (هشت خویشکاری) توسط قهرمان انجام می‌شود. الگوی روایی نوع ادبی اسکندرنامه در شکل حداقلی آن از این قرار است:

T G S ↑Y B-N ↓↑Y J M.

اسکندرنامه‌ها حتماً با ظهور قهرمان (T) / قدرت‌یابی قهرمان (G) آغاز و با سرانجام قهرمان (M) خاتمه می‌یابد و در بین این خویشکاری‌های آغازی و پایانی، خویشکاری‌های میانی عزیمت و برگشت قهرمان (↓↑)، ظهور شریر، نبرد و نابودی شریر (S-B-N)، اقدام یاریگر (Y) و ماجراجویی (J) چندین بار تکرار می‌شوند. یاریگر حداقل یک بار برای نابودی شریر و یک بار برای ماجراجویی قهرمان را کمک می‌کند. خویشکاری قدرت‌یابی نیز می‌تواند دو بار در طول داستان تکرار شود.

یادداشت‌ها

۱- اسکندر، فرزند فیلیپ دوم، پادشاه مقدونیه، در ۳۵۶ ق.م. به دنیا آمد و در بیست سالگی، پس از کشته‌شدن پدرش به پادشاهی رسید. از کودکی زیر نظر زبده‌ترین مربیان زمان خود، از جمله ارسطو، علوم و فنون مختلف را فراگرفت. در عین جوانی، نیروی شگرفی در نظامی‌گری و رهبری سیاسی داشت و از همان آغاز پادشاهی اندیشه تصرف ایران، بزرگتری پادشاهی آن روزگار را در سر می‌پروراند تا اینکه در بهار سال ۳۳۴ ق.م. به ایران لشکر کشید و سرزمین‌های شرقی را یکی پس از دیگری به تصرف درمی‌آورد تا اینکه بر داریوش سوم، آخرین پادشاه هخامنشی، غلبه یافت و تا هندوستان پیشروی کرد، اما در مواجهه با کوه‌های صعب‌العبور هندوکش مجبور به بازگشت شد و نهایتاً در مسیر بازگشت، در بهار سال ۳۲۴ ق.م. در مسیر بابل بر اثر بیماری در سن ۳۳ سالگی چشم از جهان فروبست (کیوانی، ۱۳۸۴: اسکندر در ادب فارسی).

«آنچه در باب اسکندر در منابع کهن فارسی و عربی آمده آمیزه‌ای است از تاریخ، حماسه و خرافه، که تمیز واقع از غیرواقع آن همیشه آسان نیست» (همان). روایات ایرانی و عربی اسکندر حاکی از خونریزی‌ها، ویرانگری‌ها و کتاب‌سوزی‌های او از یک سو و شهرسازی‌ها و آبادانی‌های او و نیز التفات او به دانش و دانشمندان از سوی دیگر است. مهم‌ترین مسئله در شرح احوال اسکندر برای مسلمانان یکی‌شدن شخصیت اسکندر با ذوالقرنین قرآنی است. در ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی - اسلامی، اسکندر مقدونی و ذوالقرنین قرآن چنان به هم آمیخته‌اند که تفکیک آن‌ها

امکان‌پذیر نیست (همان). تأثیر اخبار اسکندر در ادبیات فارسی بر دو گونه بوده است: ۱- تصنیف مجموعه‌های مستقل منشور و منظومی با عنوان اسکندرنامه و بهره‌گیری از داستان اسکندر در قالب ترکیبات، اضافات تشبیهی و استعاری، تلمیحات و اشارات (همان).

۲- پراپ در بررسی ریخت‌شناسانه قصه‌ها، کمیت قصه‌های مورد بررسی را تا جایی لازم می‌داند که بر تحلیلگر معلوم شود که قصه‌های تازه، خویشکاری‌های جدیدی عرضه نمی‌کنند و بر همین اساس از میان ۴۵۰ قصه مذکور در فهرست آرنه (قصه‌های شماره‌ی ۳۰۰-۷۴۹)، تنها بررسی ۱۰۰ قصه را برای شناسایی ساختار نوع ادبی قصه‌های پریان کافی دانسته است (۱۳۶۸: ۵۷). ما نیز بر همین مبنا نتایج به‌دست‌آمده از بررسی ریخت‌شناسانه چهار منظومه اسکندرنامه نظامی (شرفنامه)، آئینه اسکندری امیرخسرو، خردنامه اسکندری جامی و آیین اسکندری عبدی‌بیگ نویدی را قابل تعمیم به دیگر اسکندرنامه‌ها می‌دانیم. برای پرهیز از تکرار نام این منظومه‌ها در بررسی ریخت‌شناسانه، برای هریک، از علائم اختصاری استفاده کرده‌ایم: اسکندرنامه نظامی (ان)، آئینه اسکندری امیرخسرو (آم)، خردنامه اسکندری جامی (خج) و آیین اسکندری عبدی‌بیگ نویدی (آع).

کتاب‌نامه

- پراپ، ولادیمیر. (۱۳۶۸). ریخت‌شناسی قصه‌های پریان. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: توس.
- تقوی، محمد. (۱۳۷۶). حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی. تهران: روزنه.
- جامی، نورالدین عبدالرحمان. (۱۳۶۶). مثنوی هفت اورنگ. به تصحیح و مقدمه مرتضی مدرس گیلانی. تهران: سعدی.
- خدیش، پگاه. (۱۳۸۷). ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی. تهران: علمی و فرهنگی.
- خراسانی، محبوبه. (۱۳۸۷). درآمدی بر ریخت‌شناسی هزار و یک شب. اصفهان: تحقیقات نظری.
- دهلوی، امیرخسرو. (۱۳۶۲). خمسة امیرخسرو دهلوی. با مقدمه و تصحیح امیراحمد اشرفی. تهران: شقایق.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۳۳). حماسه‌سرایی در ایران. تهران: امیرکبیر.
- عزتی و دیگران. (۱۴۰۲). «تحلیل ریخت‌شناسانه داستان اسکندر و دارا در شرفنامه بر اساس نظریه ریخت‌شناسی ولادیمیر پراپ». مطالعات ادبیات تطبیقی. دوره ۱۷. شماره ۶۵. ۱۳۱-۱۴۵.
- کیوانی، مجدل‌الدین. (۱۳۸۴). «اسکندر در ادب فارسی». دانشنامه زبان و ادب فارسی. جلد ۱. به سرپرستی اسماعیل سعادت. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی. ۴۰۲-۴۰۷.
- کیوانی، مجدل‌الدین. (۱۳۸۴). «اسکندرنامه‌ها». دانشنامه زبان و ادب فارسی. جلد ۱. به سرپرستی اسماعیل سعادت. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۴۰۷-۴۱۰.

نظامی گنجوی. (۱۳۸۴). کلیات نظامی گنجوی. مطابق با نسخه تصحیح‌شده وحید دستگردی. ویرایش ا. بهنام. تهران: پیمان.

واعظزاده، عباس. (۱۳۹۵). «رده‌بندی داستان‌های عاشقانه فارسی». نقد ادبی. شماره ۳۳. ۱۵۷-۱۸۹.

Duff, Daivid. (2000). *Modern Genre Theory*. London and NewYork: Longman.

Todorov, Tezvetan. (2000). "The Origin of Genres" in *Modern Genre Theory*. ed. Daivid Duff. London and NewYork: Longman, Pp. 193-209